

ماهیت و اعتبار پرداخت دیون طبیعی و تأثیر آن در مطالبات طلبکاران حقوقی در حقوق ایران و فرانسه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸)

ناهید جوانمردی*

چکیده

یکی از ویژگی‌های تعهد طبیعی، اعم از آن که مسیوق به یک تعهد مدنی ناقص باشد یا مستقیماً برخاسته از ندای وجدان مدیون، فقدان ضمانت اجرای حقوقی است. اجرای این تعهد تماماً بستگی به اراده مختار و آگاه مدیون دارد و تنها در این صورت است که ایفاء آن، تأدیه دین محسوب شده و غیرقابل استرداد می‌گردد. پرداخت دین طبیعی اگر فاقد قصد اضرار به طلبکاران حقوقی باشد معتبر است و آنچه تأدیه شده غیرقابل استرداد و مطالبه از سوی طلبکاران دیگر است. البته رویه قضائی فرانسه در این مورد دارای تناقض است. در حقوق ایران با توجه به آزادی مدیون در انجام معامله، تأدیه دین طبیعی معتبر است به شرطی که فاقد سوءنیت و قصد اضرار به طلبکاران حقوقی باشد. ماهیت حقوقی ایفاء تعهد طبیعی را نیز می‌بایست با توجه به عدم نیاز به توافق با متعهدله، ایفاء محسوب نمود.

کلید واژگان: تعهد طبیعی، تأدیه دین طبیعی، ایفاء ناروا، ایفاء، طلبکاران مدنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

تعهدات طبیعی، صرفنظر از اینکه رسوبی از یک تعهد «عقیم»^۱ باشند یا یک تعهد «تغییر ماهیت داده»^۲ و یا یک تکلیف اخلاقی^۳ که به اراده مدیون پس از اجرا، پای به جهان حقوق نهادانند، فاقد ضمانت اجرا هستند، با این وجود در حقوق غالب کشورها صراحتاً یا به طور ضمنی پذیرفته شده‌اند، نظیر ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی فرانسه که مقرر می‌دارد: «هر پرداختی مستلزم وجود دینی است و آنچه بدون وجود دین پرداخته شود قابل استرداد است. لیکن دعوی استرداد نسبت به تعهدات طبیعی که با میل و اراده مدیون ادا شده پذیرفته نمی‌گردد» یا بند ۲ ماده ۶۳ قانون مدنی جدید سوئیس: «چیزی که برای تأدیه یک دین مشمول مرور زمان یا برای ایفاء یک تعهد اخلاقی پرداخته می‌شود قابل استرداد نمی‌باشد» و ماده ۲۶۶ قانون مدنی ایران که بدون نام بردن از تعهد طبیعی، به پیروی از بند ۲ ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی فرانسه، چنین مقرر می‌دارد: «در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، اگر متعهد به میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود»، ملاحظه می‌شود که مقنن ایرانی بدون ذکر عنوان این نوع تعهدات اثر حقوقی آن را شناسائی کرده‌است.

پذیرش این نوع تعهدات در کنار تعهدات حقوقی مرسوم، مسائلی را مطرح می‌کند که در خور تأمل است. نظیر اینکه ماهیت حقوقی ایفاء این تعهدات چیست و چه تفاوتی با ماهیت ادای دیون حقوقی دارد؟ در چه صورتی، تأدیه این دیون معتبر بوده و ایجاد آثار حقوقی می‌کند؟ و بالاخره چنانچه مدیون، دیون طبیعی خود را پیش از تأدیه دیون حقوقی خویش پردازد، آیا این پرداخت را که قبل از تصفیه حساب با طلبکاران حقوقی صورت گرفته است، می‌توان از مصادیق اعمال متقلبانه به قصد فرار از دین شمرد و آن را باطل یا غیر نافذ دانست؟ و

۱. تعهد «عقیم» (avortee) تعهدی است که قبل از تحقق کامل متوقف شده و به تکامل نرسیده است. مثل تعهد واهب در عقد هبه‌ای که به ثبت نرسیده.

۲. تعهد «تغییر ماهیت داده» (degenere)، تعهدی است که پس از تحقق کامل، به دلیل وجود عیبی (مثل عدم اهلیت متعهد) و یا استناد به یکی از «فروضهای قانونی» (presomptions legales) یا «ابرادات قانونی» (exceptions legales) مثل اعتبار امر مختومه ساقط شده است.

۳. devoir morale



آیا می توان علیرغم صراحت مقنن به عدم امکان استرداد چنین پرداختی آن را در حکم ایفاء ناروا و قابل مطالبه از سوی طلبکاران حقوقی شمرد؟ پاسخ به این سئوالات در حقوق فرانسه و ایران در سه گفتار بررسی و تحلیل می گردد:

گفتار اول: ماهیت حقوقی تأدیه دین طبیعی

گفتار دوم: شرایط اعتبار تأدیه دین طبیعی

گفتار سوم: اثر تأدیه دین طبیعی در مطالبات طلبکاران حقوقی

گفتار اول: ماهیت حقوقی تأدیه دین طبیعی

در حقوق فرانسه هر چند که در مورد مبنای ایجاد تعهد طبیعی، اختلاف نظر است ولی همه نظریه‌های موجود، وجود «دین» را در این دسته از تعهدات فاقد ضمانت اجرا، پذیرفته‌اند.^۱ ماده ۲۶۶ قانون مدنی ایران نیز با اشاره به عدم وجود حق مطالبه قانونی برای متعهدله و موکول کردن ایفاء چنین تعهدی به «میل» مدیون، اجرای آن را اختیاری و ازادی دانسته است. بنابراین پرداخت این دیون وفای به عهد محسوب می شود و دلیل عدم امکان استرداد آن هم همین است.

۲

به نظر برخی از حقوقدانان، هر چند که این گروه از تعهدات فاقد ضمانت اجرا بوده و انجام آن تنها به اراده مدیون وابسته است ولی در صورت ایفاء آگاهانه مدیون، عمل انجام شده را باید تأدیه دین شمرده و رجوع به آن را غیر ممکن دانست. به همین دلیل تمام قواعد مربوط به اجرای تعهدات مدنی، جز آنچه مربوط به اجرای اجباری آن می شود، در مورد تعهدات طبیعی هم قابل اجراست.^۳ ۴

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد این نظریه‌ها، رک: جوان مرادی، ناهید، مبانی نظری تعهدات طبیعی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲، سال ۸۲، ص ۱۶۱ به بعد.

۲. ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی فرانسه ایفاء ارادی دین را وفای به عهد و غیر قابل استرداد دانسته است.

۳. Mazeau, Henri, Leon, Jean, (1983), Lecons de Droit Civil Introduction sur l'Etude de Droit par Chabas, N.304.

- Weill, Alex et Terre, Francois, (1975), Droit Civil, Les Obligations, N.340.

- Planiol Marcel, (1952-1954), Traite de Droit Civil, Les Obligations, N.922.

۴. البته از نظر «اجرا»، تفاوت‌هایی بین تعهدات حقوقی و تعهدات طبیعی وجود دارد که در صفحات آتی به آنها اشاره می شود.

اما در ماهیت حقوقی اجرای اختیاری تعهدات نیز وحدت نظر وجود ندارد. برخی آن را «عقد» و حاصل توافق دو طرف وعده ای آن را «واقعۀ حقوقی» و حکم قانون می‌دانند و بالاخره گروه سوم که اجرای تعهد را یک سره وابسته به اراده مدیون و نوعی «ایقاع» به حساب می‌آورند. نگاهی اجمالی به این سه نظر، برخی تفاوت‌های تعهدات طبیعی با تعهد حقوقی را در مرحله اجرا، روشن می‌کند.^۱

بنداول - ایفاء تعهد، «عقد» است.

برابر این نظر، تأدیه دین حقوقی، نهادی مرکب از یک واقعۀ مادی^۲ و یک توافق^۳ بین طرفین است که این توافق در غالب موارد ضمنی است^۴ و زیر پوشش اجرای مادی تعهد (تسلیم و تسلیم متعهد به) پنهان می‌ماند.^۵

در نتیجه، وفای به عهد را باید توافقی دانست که نیازمند تراضی طرفین است، بدین صورت که تسلیم موضوع تعهد، «ایجاب» و تسلیم آن از جانب متعهدله به معنای «قبول» است. مگر این که طلبکار از قبول موضوع تعهد امتناع نماید که در این صورت باید اجرای تعهد را نوعی ایقاع به شمار آورد.^۶

۱. برای تفصیل بیشتر در این زمینه، رک: جوان مرادی، ناهید، (۱۳۸۰)، ماهیت وفای به عهد، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۴، ص ۴۵ تا ۶۸.

۲. Fait materiel.

۳. Convention.

۴. Planiol, Marcel et Ripper, George, (1958), Droit Civil Francais t.7, Par Esmein, Radouant et Gabold, N. 1148.

- Weill, Alex et Terre, Francois, (1975), Droit Civil, Les Obligations, N.961.

- Carbonnier, Jean, (1976), Droit Civil Introduction, les Personnes, N. 129.

۵. Beudant, Robert et Lerebour, Pigeoniere, (1953), Cours de Droit Civil Francais.t 8 les Contrats et les Obligations par Lagard, Paris, N. 461-463.

- السنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۶۸)، انتقال و سقوط تعهدات، ترجمه علیرضا امینی، محمد حسین دانش کیا، منصور امینی، انتشارات مرکز ترجمه و نشر کتاب، ش ۱۲۴-۱۲۸. لطفاً از نویسنده مقاله پرسید این رفرنس کدام جمله در متن است؟؟ آیا برای یک جمله دو رفرنس داده‌اند؟

۶. امامی، سید حسن، (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، جلد ۴، انتشارات اسلامی، ص ۳۱۴ به بعد.

- Barrain, Reymond, (1950), Droit Civil Francais, p.129.۴۴ و این رفرنس هم



پیروان این نظر، ماهیت ایفاء تعهدات طبیعی را هم «عقد» می‌شمارند. به نظر ایشان، اقدام مدیون به اجرای تعهد طبیعی خود، بیانگر تصمیم قبلی وی مبنی بر تأدیه دین و الحاق بستانکار به این تصمیم است.^۱

در نتیجه، مدیون با نشان دادن قصد تأدیه دین (به وسیله اجرا)، امکان مطالبه اجباری دین را به طلبکار خود می‌دهد. بدین ترتیب است که دین طبیعی تبدیل به دین مدنی می‌شود و اجرای آن باید اجرای تعهد مدنی تلقی شود نه طبیعی، زیرا طرفین به این نتیجه، توافق کرده‌اند. این تحلیل به نظر قابل انتقاد می‌رسد زیرا اراده مدیون در تعهد طبیعی، فقط با اجرای دین ظاهر می‌گردد و نه قبل از آن؛ لذا، فرض توافق قبلی بین طرفین وجود ندارد، وانگهی چه لزومی دارد که هنگام اجرای تعهد طبیعی برای یک لحظه آن را تبدیل به تعهد مدنی فرض کرده و با این استدلال برای بستانکار حق مطالبه قانونی قائل شویم، آن هم «حقی» که بلافاصله با اجرای تعهد از بین می‌رود! و اساساً وقتی تعهد طبیعی با تصمیم مدیون ایفا گردید چه نیازی به تصور این «حق مطالبه» است و چه بهرهای از «امکان مطالبه قانونی» (بعد از ایفاء تعهد) نصیب بستانکار می‌گردد؟ ممکن است تصور شود که «عقد» شمردن تأدیه دین در این تعهدات این فایده را دارد که حق رجوع مدیون به طلبکار را ساقط می‌کند. اما این منظور هم به حکم مواد ۲۶۶ قانون مدنی ایران و ۱۲۳۵ قانون مدنی فرانسه (که استرداد آنچه ادا شده را غیر ممکن دانسته است) حاصل است!

بند دوم - ایفاء تعهد یک «واقعۀ حقوقی» است.

اگر انجام تعهد، مستلزم انجام هیچ نوع عمل حقوقی و یا وجود اراده انشائی یکی از طرفین یا هر دوی آنها نباشد، ماهیت عمل انجام شده را واقعۀ حقوقی می‌نامند.^۲ زیرا در این فرض، موضوع تعهد، با نفوذ «عقد» یا «ایقاع» اصلی، خودبه‌خود اجرا شده و محقق می‌گردد،

۱. Dupeyroux. j. j, (1955), Contribution a la Theorie Genera; des Actes a Titre Gratuits, These Toulouse, p. 369.

- Catala, Nicole, (1961), la Nature Juridique du Payment, These Paris, p.170.؟؟؟ و این رفرنس هم

۲. Fait Juridique.

مثل اجرای تعهد تملیک عین که به مجرد وقوع بیع به نحو صحت، حاصل می‌گردد یا رضای مالک در معامله فضولی که موجب تنفیذ آن می‌شود.^۱

در میان حقوقدانان ایرانی نیز، برخی ماهیت تأدیه دین را اصولاً عمل حقوقی (اعم از عقد یا ایقاع) نمی‌دانند و اجرای تعهد را به شرطی که ساده بوده و لزومی به انجام عمل حقوقی دیگری نباشد، یک «واقعه» حقوقی محسوب می‌کنند.

به نظر ایشان، تأدیه دین، عقد نیست زیرا لازمه عقد شمردن عملی، آزادی طرفین در انعقاد آن و تراضی به مفاد آن است، حال آن که وفای به عهد به حکم قانون است و متعهد چاره‌های جز اجرای تعهد ندارد و به همین دلیل است که تأدیه دین بدون آگاهی و اذن مدیون هم، موجب برائت ذمه وی می‌گردد. در مورد طلبکار هم باید گفت که اگر ادای تعهد کاملاً با موضوع و شرایط توافق شده قبلی مطابقت داشته باشد، رضایت وی تأثیری در ایفاء دین ندارد و حتی اگر از قبول موضوع تعهد امتناع نماید برابر ماده ۲۷۳ قانون مدنی، صرف تسلیم آن به حاکم، موجب سقوط تعهد می‌شود.^۲ مگر این که اجرای تعهد نیازمند انجام عمل حقوقی دیگری باشد که در این صورت، ماهیت وفای به عهد، بستگی به عمل حقوقی همراه آن خواهد داشت.^۳

با توجه به آنچه گفته شد، بدیهی است که ماهیت تأدیه دین طبیعی را یک واقعه حقوقی نیز نمی‌توان به شمار آورد. زیرا اساساً وجود چنین دینی مسبوق به حکم قانون یا قرار داد قبلی نمی‌باشد تا بتوان پرداخت آن را اثر ساده یک قرارداد یا انجام تکلیف قانونی به حساب آورد. از طرفی، ممکن است ایراد شود که قانونگذار، وجود این گروه از دیون را شناسایی کرده (مواد ۱۲۳۵ قانون فرانسه و ۲۶۶ قانون ایران). در نتیجه، ادای آن را می‌توان ناشی از تکلیف قانونی شمرده و ماهیت آن را «واقعه حقوقی» تلقی کنیم. لیکن در قوت چنین استدلالی نیز باید تردید کرد زیرا مفاد مواد قانونی یاد شده، ناظر به وضعیت حقوقی، بعد از ایفاء تعهد توسط

۱. Catala, Nicole, (1961), la Nature Juridique du Payment, These, Paris, p.159.

۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۸)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ش ۶۸۸.

– کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، اعمال حقوقی، قراردادها، ایقاع، ش ۲۱۲.

۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، اعمال حقوقی، قراردادها، ایقاع، ش ۱۰۹.



مدیون و در مقام تعیین تکلیف برای آنچه به عنوان تأدیه دین پرداخت شده است می باشد و ربطی به وضعیت قبل از ایفاء تعهد ندارد. در نتیجه، هر گاه مدیون به میل خود، دین غیرقابل مطالبه را ادا کند، هر چند که منجر به ایجاد بعضی آثار حقوقی می شود ولی نباید فراموش کرد که این پرداخت برخاسته از ندای وجدان است نه یک تعهد حقوقی و یا حکم قانونی تا بتوانیم ادعا کنیم که ماهیت آن «واقعۀ حقوقی» است.

بند سوم - ایفاء تعهد، ایفاء است.

تعهد در مرحله ایجاد، در نظام حقوقی غالب کشورها مستلزم وجود دو اراده است و «ایفاء»، منبع تعهد محسوب نمی شود^۱ مگر در برخی موارد که مصلحت گرائی، مقنن را وادار به پذیرش «ایفاء» در کنار عقود به عنوان منبع تعهد نموده است.^۲

با این همه کم نیستند حقوقدانانی که با تکیه بر اصل حاکمیت اراده، ایفاء را نیز یکی از منابع مهم تعهد شمرده اند.^۳ لیکن پذیرش ایفاء در مرحله اجرای تعهد با مخالفت کمتری روبروست چرا که «اجرا» مرحله بعد از تحقق تعهد است و می تواند با یک اراده صورت گیرد.

بنابراین براساس نظر سوم، ماهیت وفای به عهد ایفاء است زیرا تأدیه دین به اختیار، انجام تکلیفی است که یا از قانون و یا از عقد ناشی شده است و فقط مدیون را مکلف به انجام آن

۱. در حقوق فرانسه رک: Marty, Gabriel; Reynaud, Pierre: Droit Civil, Introduction General a L'Etude de Droit. T.1.Paris 1961 N.314, Ripper, George, Boulanger, Jean: Droit Civil.les Obligations, Paris, 1957, N.175.

در حقوق ایران رک: کاتوزیان، ناصر: نظریه عمومی ایفاء ۱۳۷۰، ص ۶ و ۴۶۰.

۲. Demogue, Rene, (1956), Traite des Obligations, N. 18 ET s. cite par Gobert, Michel, Essai sur le Role d' Obligation Naturelle, These, Paris, p. 152.

در حقوق ایران: کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، اعمال حقوقی، قراردادها، ایفاء، ش ۶۷-۷۰-۷۸-۷۹.

- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، نظریه عمومی تعهدات، ش ۵۹.

۳. Starck, Boris, Droit Civil, les Obligations, 1972, N.1057, 1062, 2308, Geny. در حقوق فرانسه رک: Francois, Methode de Commentaire des Sources de Droit Positif Francais, T.2,1954 N.172, bis et s- jossierand, Louis, Cours de Droit Civil Positif Francais, T.2, 1940, N.10.

در حقوق ایران رک: قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ۱۳۷۸، ص ۲۵. جعفری لنگرودی، جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ۱۳۵۷، جلد ۱ ص ۳۸۳-۳۸۷-۴۰۲-۴۰۳، حقوق تعهدات، ش. ۱۶۵-۱۶۸-۱۷۲.



می‌نماید... در نتیجه، اراده متعهد به تنهایی برای انجام تعهد کفایت می‌کند و رضایت طلبکار در این مرحله، نقش سازنده ندارد.^۱

در حقوق ایران هم غالب حقوقدانان موافق این نظر هستند و اراده طلبکار را مؤثر در تحقق تأدیه دین نمی‌دانند مگر در مواردی که اجرای موضوع تعهد با قید مباشرت متعهد بوده ولی شخص ثالث آن را انجام داده باشد. چون در این گونه موارد می‌توان گفت که «تبدیل» تعهد صورت گرفته و رضایت متعهدله برای تحقق آن ضروری است.^۲

در تعهدات طبیعی، هیچ تردیدی در ایقاع بودن ماهیت اجرای آن وجود ندارد زیرا، این اراده مدیون است که با «اجرای» تعهد طبیعی، آن را «بوجود» می‌آورد و تا قبل از اجرا اساساً تعهدی در جهان حقوق وجود ندارد. به بیان دیگر، اجرای تعهد و ایجاد آن همزمان صورت می‌گیرد در نتیجه زمانی به وجود این تعهد طبیعی پیمی بریم که «اجرا» شده و در نتیجه «ساقط» گردیده است، البته مشروط بر این که، اراده مدیون سالم و خالی از عیب بوده و به علاوه، تأدیه دین با آگاهی به این که هیچ الزام قانونی برای پرداخت وجود ندارد صورت گرفته باشد. پس، آثار حقوقی که پس از اجرای تعهد طبیعی برجایمی‌ماند، ناشی از اراده متعهد و نوعی ایقاع است و نه یک «واقعۀ حقوقی».^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. Weill, Alex et Terre, Francois, (1975), Droit Civil , Les Obligations, N.300,301.

Catala, Nicole: la Nature Juridique du Payment, These, Paris, N.126,

۲. جعفری لنگرودی، جعفر، (۱۳۵۷)، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد ۱، بنیاد راستاد، ص ۶۹ و ۷۱.

– شهیدی، مهدی، (۱۳۶۸)، سقوط تعهدات، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳ و ۳۲.

۳. Weill, Alex et Terre Francois, (1975), Droit Civil , Les Obligations, N. 340.

- Planiol, Marcel, (1954), Traite de Droit Civil , Les Obligations, N.922.

- Mazeau, Henri, Leon, Jean, (1983), Lecons de Droit Civil Introduction sur L,Etude de Droit par Chabas, N.364.

- Beudant, Robert et Lerebour, Pigeoniere, (1950), Cours de Droit Civil Francais.t 8 les Contrats et les Obligations.par Lagard, Paris, N.689.

- Carbonnier Jean, (1976), Droit Civil Introduction, les Personnes, N.24.



در نتیجه می توان گفت که ماهیت ایفاء تعهد طبیعی، ایقاع است و اراده سالم «موقع» به تنهایی کافی برای تحقق «اجرای تعهد است^۱ و فرقی ندارد که این اراده را «انشایی» یا «کاشف از وجود حق» و یا «شرط متأخر»^۲ بدانیم.

البته این نظر هم در حقوق ایران دیده شده که ماهیت اجرای تعهد طبیعی را بر اساس نوع تعهد که ناقص باشد یا ساده، متفاوت می داند. بدین ترتیب که اگر تعهد طبیعی در زمره تعهدات ناقص (incomplete) باشد (رسوب تعهد مدنی سابق)، اجرای آن «واقعه حقوقی ساده» است و اراده در آن نقشی ندارد زیرا در این نوع تعهدات، وجود دین قبلاً احراز شده و فقط ضمانت اجرای آن از دست رفته است لذا، هر چند که تأدیه دین در زمانی صورت می گیرد که دین قابل مطالبه نیست (مثلاً به دلیل مرور زمان)، ولی ارتباط آن با دین سابق هم چنان محفوظ است و این «اجرا» دنباله همان توافق سابق به شمار می رود. اما اگر تعهد طبیعی از جمله تعهدات رو به کمال (بدون وجود تعهد حقوقی سابق) باشد، اراده مدیون مؤثر در پرداخت است، لذا تأدیه دین نوعی ایقاع به شمار می آید.^۳

برابر این نظر، اگر تعهد طبیعی، تنها رسوبی از یک تعهد مدنی قبلی باشد، ماهیت اجرای آن، همانند اجرای بقیه تعهدات مدنی، «واقعه حقوقی» است و اراده متعهد دین طبیعی اثر انشائی در اجرای آن ندارد. در بحث از تأثیر اراده متعهد در «تحقق» اصل تعهد، این نظر صائب است چون تعهد مدنی سابق با توافق طرفین به وجود آمده است. لیکن در مقام تبیین ماهیت «اجرای» تعهد مدنی قبلی که ناقص مانده است، با توجه به غیرقابل مطالبه بودن این تعهد و این که تمام بحث، ناظر به تأثیر اراده مدیون در «اجرای» آن است و نه در جهت تحقق آن، مشکل بتوان، اجرای چنین تعهدی را واقعه حقوقی نامید زیرا ایفاء چنین تعهدی

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۸)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، انتشارات به نشر، ش ۷۲۱.

امامی، سید حسن، (۱۳۷۱)، حقوق مدنی، جلد ۱، انتشارات اسلامیه، ص ۳۱۵.

۲. جعفری لنگرودی، جعفر، (۱۳۵۷)، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد ۱، بنیاد راستاد، ص ۶۹ و ۷۱.

– شهیدی، مهدی، (۱۳۶۸)، سقوط تعهدات، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۲.

۳. اتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، ش ۳۴۳-۳۴۶.

– کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد، ایقاع، شرکت انتشار، ش ۱۱۰.

تماماً بستگی به تصمیم و اراده یک جانبه متعهد دارد لذا، ماهیت این ایفاء به ایفاء نزدیکتر است تا واقعه حقوقی.

گفتار دوم: اعتبار تأدیه دین طبیعی

گفتیم که پرداخت دین طبیعی با اراده یک جانبه مدیون صورت گرفته و نوعی ایفاء است به علاوه با توجه به قابلیت اجرای غالب قواعد عمومی قراردادها در مورد ایفاءات، اصل لزوم را می توان در مورد این دسته از اعمال حقوقی پذیرفت. بنابراین، اصل در ایفاءات، لزوم آنهاست و ایفاءات جایز نادر هستند.^۱ با این همه در موارد شبهه، ضابطه را باید با توجه به مفاد اراده موقع و اثر آن به دست آورد. بدین ترتیب که اگر اثر ایفاء، اباحه و اذن باشد، «جایز» و اگر ایجاد تعهد و برقراری حق باشد «لازم» است. در نتیجه، وقتی وفای به عهد توأم با اراده انشائی مدیون مبنی بر ایجاد حق به نفع بستانکار باشد بی تردید «لازم» و رجوع به آن غیرممکن است.^۲

با توجه به آنچه گفته شد، شرایط اعتبار دیون طبیعی پرداخت شده به قرار زیر است.

۱. **وجود دین:** احراز وجود دین در تعهدات طبیعی چندان آسان نیست. اگر در مورد دیون طبیعی که مسبوق به یک تعهد مدنی ناقص هستند (به دلیل مسلم بودن وجود دین در تعهد قبلی)، این امر امکانپذیر است، ولی در تعهدات طبیعی ساده که مستقیماً برخاسته از وجدان مدیون است، اثبات وجود دین جز در لحظه «اجرای» آن و یا در صورت «تعهد به اجرا»، میسر نمی باشد. به همین جهت است که گفته شده «اراده» پرداخت کننده می تواند سبب معتبری برای پرداخت محسوب گردد.^۳ با این وجود عمل «پرداخت» به خودی خود، امارهای قوی بر وجود دین است. (ماده ۱۲۳۵^۴ قانون مدنی فرانسه و ۲۶۵^۵ قانون مدنی ایران) در نتیجه،

۱. برای دیدن ضابطه تشخیص ایفاء لازم و جایز (عهدی و اذنی) رک: کاتوزیان، ایفاء، ش ۲۷.

۲. Aubry et Rou, (1954), Cours de Droit Civil Francais, N.297.

۳. Catala Nicole, (1961), la Nature Juridique du Payment, These, Paris, p.311.

۴. tout paiement suppose une dette, ce qui a ete paye sans etre du, est sujet a repetition.

«در هر پرداختی، دینی مفروض است. آنچه به ناروا پرداخت شده، قابل استرداد است.»

۵. «هر کس مالی به دیگری بدهد، ظاهر در عدم تبرع است...»



اگر بدون وجود اجبار قانونی، پرداختی صورت گیرد که خالی از اشتباه بوده و قصد مدیون هم بخشش بلاعوض، تنفیذ عمل حقوقی باطل^۱ و یا پرداخت دین غیر نباشد، بی تردید، عمل را باید تأدیه دین و معتبر دانست. زیرا ایفاء ارادی نه تنها اماره‌های بر وجود دین، بلکه اقرار ضمنی پرداخت کننده به مدیون بودن خود است. بنابراین، با توجه به فقدان الزام قانونی، وجود «دین» اخلاقی محرز و ادای آن معتبر و غیر قابل برگشت است.^۲

در حقوق ایران در تفسیر مفاد صدر ماده ۲۶۵ قانون مدنی به عنوان اماره وجود دین، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از نویسندگان به استناد اصل برائت، آن را اماره بر وجود دین ندانسته و معتقدند که در دعوی استرداد، گیرنده مال نقش مدعی را دارد و باید وجود دین را بر ذمه پرداخت کننده ثابت نماید. اما همین نویسندگان در عقد حواله، محیل را مدیون شناخته و صدور حواله را دلیل بر بدهکار بودن وی به محال دانسته‌اند یعنی اقدام به پرداخت (صدور حواله) را به عنوان اماره وجود دین پذیرفته است.^۳ عده‌ای دیگر با استناد به ظاهر عبارت ماده ۲۶۵، آن را تنها دلیل بر تبرعی نبودن دادن مال به دیگری دانسته و با وجودی که این ماده، ترجمه بند اول ماده ۱۲۳۵ قانون مدنیفرانسه است و لغت «پرداخت» (Paiement) «دادن مال» ترجمه شده است، ولی این نویسندگان، واژه مزبور را به معنای «تسلیم مال» تلقی و در نتیجه معتقدند که افاده وجود دین نمی‌کند. زیرا «تسلیم مال» ممکن است به منظور امانت یا قرض باشد و منظور از صدر ماده ۲۶۵ نیز تنها بیان تبرعی نبودن و فقدان قصد بخشش است. در نتیجه، بار اثبات ادعا و ارائه دلیل بر دوش گیرنده مال است که باید مدیون بودن دهنده مال را ثابت کند.^۴ عده‌ای نیز با توجه به موقعیت ماده مزبور که در بخش وفای به عهد آمده است، معتقدند که «پرداخت»، اماره بر وجود دین است و جایی برای اصل برائت باقی نمی‌گذارد. بنابراین،

۱. منظور nullite^۲ relative در حقوق فرانسه، بطلان نسبی است که در حقوق ما به «غیر نافذ» تعبیر می‌گردد.

۲. Ripet, Georges et Boulanger, Jean, (1957), Droit Civil, Les Obligations, Paris, N.1322.

- Carbonnier, Jean, (1976), Droit Civil Introduction, les Personnes, p.154.

۳. امامی، سید حسن، (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، جلد ۴، انتشارات اسلامی، ص ۳۱۴ و ۳۱۵.

۴. شهیدی، مهدی، (۱۳۶۸)، سقوط تعهدات، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۴ به بعد و ص ۳۳.

پرداختکننده، مدیون است و در دعوی مطالبه استرداد، مدعی به حساب می‌آید و باید بتواند از عهده اثبات عدم وجود دین برآید.^۱

۲. **قصد انجام تکلیف اخلاقی:** اگر ثابت شود که پرداختکننده، قصد تأدیه دین طبیعی خود را نداشته، دیگر نمی‌تواند برای استرداد آنچه که پرداخته به گیرنده مال مراجعه کند. زیرا «اراده» مدیون تکلیف وجدانی را تبدیل به دین واقعی کرده است. به بیان دیگر وظیفه اخلاقی، فقط از لحظهای که مدیون با ایفاء، آن را تأیید می‌کند، واجد اثر حقوقی می‌گردد. بنابراین دخالت حقوق در این مرحله به معنای ایجاد ضمانت اجرا برای وظیفه اخلاقی نیست بلکه فقط به منظور جلوگیری از بی‌اثر شدن تعهد انجام شده و شناسایی وظیفه اخلاقی است که به میل اجرا شده است.^۲

از همین رو، ارادی بودن اجرا را باید مهمترین رکن تحقق تعهدات طبیعی دانست و از این حیث فرقی ندارد که «تعهد» اجرا شده ساده باشد یا ناقص^۳؛ در نتیجه، برای این که عمل حقوقی نفوذ و اعتبار داشته باشد لازم است که اراده، خالی و مبری از عیب باشد، یعنی متعهد فارغ از هر نوع اجبار^۴ و اشتباه^۵ عمل نماید. البته این عیوب باید ناظر به ارکان و اوصاف اساسی تعهد باشد تا اجرای آن را باطل کند، مثل اشتباه در شخصیت متعهدله وقتی که علت

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۸)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، انتشارات به‌نشر، ش ۷۲۲.

– کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹)، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ش ۳۳۷.

– کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد، ایقاع، شرکت انتشار، ش ۲۳۷.

۲. Planiol, Marcel et Ripper, george, (1958), Droit Civil Francais t.7. par Esmein, Radouant et Gabold. N.471, 992.

– Beudant, Robert et Lerebour, Pigeoniere, (195۳), Cours de droit Civil Francais.t 8 les Contrats et les Obligations. par Lagard, Paris, N. 688.

– Ripper, Georges et Boulanger, Jean, (1957), Droit Civil , Les Obligations, Paris, N.1322.

۳. Mazeau Henri, Leon, Jean, (1969), Droit Civil Conception d'Obligation t. 2. Paris, p.346.

۴. Violence

۵. Erreur



عمده تعهد است^۱ و موجب زوال «قصد» می‌شود.^۲ و گرنه اشتباه در اوصاف فرعی، موجب عدم اعتبار پرداخت نمی‌گردد و در نهایت با تنفیذ مدیون معتبر می‌شود.

نکته‌های که در مورد تعهدات طبیعی، محل تأمل است، این است که آیا «ضمانت اجرا» از جمله اوصاف ذاتی و اساسی تعهد^۳ است یا این که می‌توان آن را از اصل دین تفکیک نموده و از جمله اوصاف فرعی آن بدانیم.

در فرض اول، برابر قواعد گفته شده، تعهد باطل است ولی در فرض دوم، ایفاء تعهد غیرقابل مطالبه‌های را که به گمان الزامی بودن دین پرداخته شده، باید صحیح و غیرقابل استرداد دانست.^۴ به عبارت دیگر جهل متعهد به فقدان ضمانت اجرا نباید از موجبات بطلان پرداخت به حساب آید، اعم از اینکه اشتباه «حکمی» باشد (جهل به حکم قانون در مورد دیون طبیعی) یا «موضوعی» (آگاهی از حکم قانون و جهل نسبت به شمول آن به تعهدی خاص).^۵

در حقوق ایران برخی معتقدند که علت عدم امکان استرداد دینی که مشمول مرور زمان بوده و پرداخت شده‌است، باقی ماندن حق و تعهد، علیرغم سقوط حق مطالبه آن پس از جری مرور زمان است نه این که تعهد طبیعی از تعهد مدنی سابق به جای مانده و به علت ایفاء، غیرقابل رجوع شده‌است.^۶

پذیرش این نظر ما را به این نتیجه می‌رساند که دین مدنی با وجود سقوط ضمانت اجرا، همچنان به صورت تعهد مدنی باقی می‌ماند و «ضمانت اجرا» از ویژگی‌های حقوقی دین نیست. بنابراین در تعهدات ناقص که مسبق به تعهدات مدنی هستند، چون اصل دین پس از سقوط ضمانت اجرای آن باقی می‌ماند، اشتباه مدیون در بقاء یا عدم قابلیت مطالبه دین، اثری در

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۴)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، انتشارات به‌نشر، ش ۲۳۱ تا ۲۳۶.

۲. مانند این که شخص، نفقه طفل طبیعی را به گمان این که فرزند خود اوست بپردازد.

۳- برای دیدن نظر برخی از کسانی که جدایی دین از «التزام به تأدیبه» را ممکن می‌دانند رک: Marty et Reyneut 1961- n.34/Dupeyroux. 1955, P339. ET s / کاتوزیان، ۱۳۷۴، ش ۴۷ و ۳۳۱، قرائت و خواندنیها ص ۷.

۴. جوان مرادی، ناهید، (۱۳۷۸)، تعهدات طبیعی، رساله دکترا، دانشگاه تهران، ص ۲۷ به بعد.

۵. برای دیدن تفصیل بیشتر در مورد تأثیر اشتباه حکمی و موضوعی در اراده، رک: گرجی، ابوالقاسم، حقوق اسلامی، پلیکی دانشگاه حقوق دانشگاه تهران ۱۳۷۲، ص ۳۸ تا ۴۰. / جعفری لنگرودی، جعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ دوم، گنج دانش ۱۳۶۹، ص ۲۳۴. / کاتوزیان، همان، ش ۲۰۹، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، شرکت انتشار، ۱۳۷۰، ش ۶۹-۹۷.

۶. شهیدی، مهدی، (۱۳۶۸)، سقوط تعهدات، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۶۷.

صحت پرداخت ندارد زیرا تأدیه دین در این موارد «واقعه حقوقی» است و اراده مدیون فاقد چهره انشائی است.^۱ بنابراین می توان گفت که در تعهدات ساده طبیعی، با توجه به نقش انشائی اراده مدیون در تمام مراحل ایجاد تعهد و پرداخت و شناسائی آن، بی تردید، وجود اشتباه در اراده، موجب عدم اعتبار ایفاء تعهد است.^۲

در مورد اثر اکراه در پرداخت دین طبیعی، با توجه به اختلاف نظر موجود در قابلیت تنفیذ ایقاع ناشی از اکراه می توان گفت که چنانچه دین طبیعی به اجبار و بدون رضای مدیون ادا شده باشد، تنفیذ بعدی مدیون (مکره) آن را معتبر می کند زیرا آنچه در اثر ترس از تهدید لطمه می خورد، «رضای» مکره است. و الا قصد وی در انجام فعل، موجود و سالم بوده در نتیجه، عمل وی باطل نیست.^۳ این نتیجه را از راه قیاس با ایقاع فضولی هم می توان به دست آورد.^۴ مگر این که اعمال اجبار کننده به شیوه ای انجام شود که «قصد» متعهد را نیز زایل کند که در این صورت منتهی به بطلان آن خواهد گردید. ماده ۲۶۶ قانون مدنی به این معنا صراحت دارد و پرداخت با «میل» را شرط تحقق آن می داند.

بسیاری از فقها نیز معتقدند که الفاظ و کلمات مکره که زیر فشار تهدید دیگری بر زبان آورده شده نمی توانند دلالت بر قصد وی نمایند و تأدیه دین در چنین شرایطی به دلیل فقدان قصد باطل است.^۵

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، نشر یلدا، ش. ۳۴۶.
۲. جوان مرادی، ناهید، (۱۳۷۸)، تعهدات طبیعی، رساله دکترای دانشگاه تهران، ش ۱-۹۵.
۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد، ایقاع، شرکت انتشار، ش ۸۴ - کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۴)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، انتشارات به نشر، ش ۲۵۳ تا ۲۸۲.
- امامی، سید حسن، (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، جلد ۴، انتشارات اسلامیه، ص ۱۹۵، ۲۱۷، ۳۱۵.
- بروجردی، عبده، (۱۳۲۹)، حقوق مدنی، ص ۱۶.
- صفائی، حسین، (۱۳۵۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادها، نشریه مؤسسه عالی حسابداری، ص ۱۲۰.
- شیخ انصاری، مرتضی، (۱۲۷۵)، مکاسب، چاپ سنگی، تبریز، به خط طاهر خوش نویس، ص ۱۱۹.
- طباطبائی، سید کاظم، (۱۳۲۶)، شرح بر مکاسب، چاپ سنگی، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.
- میرزای نائینی، منیه الطالب، چاپ سنگی، چاپخانه حیدری، ص ۱۷۶-۱۷۷-۱۸۲.
۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد، ایقاع، شرکت انتشار، ش ۸۴ و ۱۷۱.
۵. عاملی، شمس الدین، (شهید اول)، القواعد، ص ۴۱.
- محقق ثانی، جامع المقاصد، جلد ۱، ص ۲۰۹.



البته به مشروع یا نامشروع بودن اعمال اکراه کننده هم باید توجه داشت زیرا تنها، اعمالی که نامشروع بوده و موجب اکراه شود، منتهی به عدم نفوذ و در بعضی موارد، بطلان عمل حقوقی است.^۱

۳. **لزوم وقوف به سبب پرداخت:** مدیون تعهد طبیعی باید نسبت به غیرقابل مطالبه بودن دین خود آگاه باشد و بداند که از نظر حقوقی هیچ کس نمی تواند او را مجبور به ایفاء تعهد نماید، بنابراین، اگر شخص به تصور این که از نظر حقوقی ملزم بوده و در نتیجه، مبادرت به پرداخت دین طبیعی خود کند، این اشتباه و عدم آگاهی موجب عدم صحت پرداخت شده و دعوای استرداد وی قابل پذیرش است زیرا، از جمله موارد ایفاء ناروا شمرده می شود^۲

به عکس، اگر بداند که مدیون نیست و چیزی به دیگری بپردازد. عمل وی بخشش یا دادن قرض و یا امانت به حساب آمده و قابل رجوع است.^۳

در حقوق ایتالیا وجود دو شرط «ارادی بودن» و با «میل بودن» پرداخت کافی برای اعتبار آن است و شرط سوم یعنی آگاهی بدهکار به طبیعی بودن (فاقد ضمانت اجرا بودن) دین تأثیری در اعتبار پرداخت ندارد.^۴

این نظر البته قابل انتقاد است زیرا یک عمل حقوقی، باید توأم با سلامت اراده انجام گیرد و آگاهی بر سبب پرداخت را باید از جمله شرایط صحت آن دانست.^۵

۱- شهید ثانی، (۱۳۱۰)، مسالک الافهام، چاپ سنگی، جلد ۱، ص ۱۷۱.

۲. امامی، سید حسن، (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، جلد ۴، انتشارات اسلامی، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۳ - Planiol, Marcel et Ripper, George, (1958), Droit Civil Francais t.7. par Esmein, Radouant et Gabold, N.471, 992.

- Weill, Alex et Terre, Francois, (1975), Droit Civil, Les Obligations, N.430.

- Foignet, Rene, (1913), Manuel Elementaire de Droit Civil t.1. p.177.

- Baudry, Lacantinerie, (1907), Traite Theorique et Pratique de Droit Civil. Obligations. t. 2. v.13 par Bard, Paris, N.1974.

-Tribunal civ, Paris, 3 fev.1944, Sirey, 1944.2.32.

۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹)، حقوق مدنی، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ش ۳۴۲.

- Weill, Alex et Terre, Francois, (1975), Droit Civil, Les Obligations, N.807.

۴. Ripper, Georges et Boulanger, Jean, (1957), Droit Civil, Les Obligations, Paris, N.1322.

Catala, Nicole, (1961), laNature Juridique du Payment, These, Paris, N.174.

۵. Baudry, Lacantinerie, (1907), Traite Theorique et Pratique de Droit Civil, Obligations.t.2.



بند اول - تفاوت اشتباه در پرداخت در دیون طبیعی و ایفاء ناروا (جهل و علم به وجود دین)

اشتباه پرداختکننده در غالب موارد رکن اساسی تحقق ایفاء ناروا است (ماده ۱۳۷۷ قانون مدنی فرانسه^۱ و ماده ۳۰۲ قانون مدنی ایران^۲). در هر دو ماده، در صورت اثبات اشتباه، استرداد مال داده شده پیشینی گردیده است. بنابر این اگر با «آگاهی» به فقدان دین، پرداختی صورت گیرد، استرداد آن ممکن نیست. این نتیجه هم در مورد ایفاء ناروا و هم در مورد پرداخت دین طبیعی یکسان است. این وحدت نتیجه، علت وجود بند ۲ ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی فرانسه و ماده ۲۶۵ قانون مدنی ایران را زیر سؤال برده و آن را بیفایده نشان می دهد زیرا با اعمال قواعد حاکم بر ایفاء ناروا به همان نتیجه ای می رسیم که از توسل به ایده تعهد طبیعی به دست می آید^۳: اما این فقط ظاهر مسأله است زیرا، سبب ایفاء، در دین مدنی، موجود بودن دین حقوقی است و اشتباه در وجود آن دلالت بر فقدان آن داشته و موجب تحقق ایفاء ناروا و در نتیجه، استرداد آن می گردد. یعنی اشتباه در وجود «سبب» پرداخت است (مدیون بی جهت خود را متعهد می دانسته). در حالیکه در تعهد طبیعی، مدیون با شناخت و آگاهی از این که الزامی به ایفاء دین ندارد، آن را پرداخت می کند. یعنی هیچ اشتباهی در وجود یا عدم «سبب» پرداخت وجود ندارد. به نظر قانون، این پرداخت «بی سبب» نبوده و به همین دلیل نیز اجازه استرداد آن را نمی دهد و این «سبب» چیزی جز وجود یک دین طبیعی نیست.

V.13 par Bard, Paris, N.1973.

- Catala, Nicole, (1961), la Nature Juridique du Payment, These, Paris, N.233.

۱. Lorsqu' une personne, qui par erreur se croyait debitrice a acquitte une dette...

« وقتی شخصی خود را به اشتباه مدیون می پنداشته و دینی را می پردازد...»

۲. « اگر کسی که خود را به اشتباه مدیون می پندارد آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد

نماید.»

۳. Gobert, Michel, (1956), Essai Sur le Role d'Obligation Naturelle, These, Paris, p.40,41.



به نظر پوتیه، «تعهد طبیعی» فقط یک اثر دارد و آن «عدم امکان استرداد است»^۱ به شرطی که پرداخت آگاهانه باشد زیرا ایفاء دین طبیعی فقط یک «سبب» دارد و آن تخلیه بار وجدان است.^۱

بنابراین ادای دین یک پرداخت واقعی است، پرداختکننده به عنوان مدیون ایفاء دین کرده و گیرنده نیز به عنوان طلبکار حقیقی آن را دریافت داشته است.^۲

گفتار سوم: تأثیر پرداخت دیون طبیعی در مطالبات طلبکاران حقوقی

مستنبط از ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی فرانسه، اگر شخصی برای معسر جلوه دادن خود در برابر طلبکاران و به قصد فرار از پرداخت دیون، اعمال حقوقی انجام دهد که به زیان بستانکاران باشد، در صورت طرح دعوی از ناحیه ایشان و اثبات نامشروع بودن قصد مدیون، اعمال حقوقی انجام شده، بی‌اثر تلقی شده و در بعضی شرایط، امکان مطالبه و استرداد مال واگذار شده یا بهای آن، از انتقال گیرنده و حتی طرح دعوی به طرفیت وی، پیشینی شده است.

این قاعده از ماده ۲۲۲۵ قانون مدنی فرانسه نیز استنباط می‌شود و در حقوق ایران با توجه به مواد ۲۱۸ و ۲۱۸ مکرر قانون مدنی قابل طرح و بررسی است.

پذیرش ادعای بستانکاران حقوقی در این مورد موکول به تحقق دو شرط است: اثبات ورود زیان و احراز قصد متقلبانه مدیون.

بند اول - اثبات ورود زیان

برابر ماده ۱۱۶۷^۳ قانون مدنی فرانسه که در مقام بیان آثار قراردادهای نسبت به ثالث است، طلبکاران دیون حقوقی می‌توانند به نام خود، نسبت به اعمال متقلبانه مدیون که مؤثر در حقوق ایشان بوده، طرح دعوی نمایند.^۴ به علاوه طلبکاران یا هر شخص دیگری که نسبت به ایراد

۱. Baudry, Lacantinerie, (1907), Traite Theorique et Pratique de Droit Civil, Obligations.t.2.V. 13 par Bard, Paris, N.1654.

۲. Colin, Ambroise et Capitant, Henry et Lamorandiere, (1959), Traite de Droit Civil.T. 3,N.277.

۳. "Ils Peuvent Aussi, en leur nom personnel, attaquer les actes faits Par leur debiteur en fraude de leurs droits."

۴. دعوی ابطال عملیات متقلبانه ای که بدهکار به منظور معسر جلوه دادن خود، برای فرار از تأدیه دین به ضرر طلبکاران انجام می‌دهد را «action paulienne» می‌گویند. رک :

Guillien, Raymond et Vincent, Jean, (1974), Lexique de Termes Juridiques, 3 edition, Dalloz

مرور زمان ذی نفع هستند می توانند حتی در صورت انصراف مدیون یا مالک، به آن (ایراد مرور زمان) استناد نمایند.^۱ مشروط بر این که بتوانند زیان ناشی از اقدام مدیون را نسبت به حقوق خود ثابت نمایند به عبارت دیگر اعمال حقوقی مدیون باید به اندازه‌های از دارائی وی کاسته باشد که طلب بستانکاران بیشتوانه بماند و گرنه، چنانچه بعد از انجام «معامله» یا «بخشش» هنوز به حد کافی از دارائی وی باقی بماند که پاسخگوی دیون وی باشد، دعوای طلبکاران مسموع نخواهد بود. رویه قضائی فرانسه در غالب موارد همسو با این نظر است و عمل مدیونی را که با آگاهی از اعسار خود، اقدام به ایفاء تعهد طبیعی خود می کند، متقلبانه و متضمن اضرار به طلبکاران مدنی دانسته و حتی اشخاصی را که به عنوان طلبکار طبیعی طرف پرداخت بوده‌اند را قابل تعقیب اعلام مینماید بدون این که حسن نیت یا دخالت ایشان در تقلب و یا ضرر و منفعت آنها در نظر گرفته شود.^۲

در نتیجه میتوان گفت که از نظر رویه قضایی، در این مورد خاص، تعهد طبیعی در حکم «بخشش» تلقی شده و ادای آن به مانند عملی رایگان محسوب می شود و نه ایفاء دین، لذا هیچ اثری در موقعیت طلبکاران مدنی ندارد.^۳

با این همه، آراء دیگری هم وجود دارد که در صورت عدم احراز ورود ضرر، دعوای طلبکاران حقوقی را نپذیرفته^۴ است. برخی از حقوقدانان با توجه به این دسته از آراء دادگاهها،

۱. "Les Creanciers, ou, tout autre personne. Ayant interet a' ce que la prescription sont acquise, peuvent l'opposer encore que le debiteur ou le propriétaire y renounce.

۲. Cass. Civ.21 mars 1843. S.1843.1.681, concl. Hello- comp. Cass. Civ., 30 decembre 1908, D.P.1909, 1,208
Cite'par Ghestin. Jacques (La notion d'erreur dans le droit positif actuel, (1963), Paris, 1963, p.604.

۳. Sandrier, Adolf, (1932), Les Obligations Naturelles, Les Effets Envers des Debiteurs, These, Rennes, p.140,177.

- Gobert, Michel, (1956), Essai Sur le role d'obligation naturelle, These . Paris, p.185.

- Dupeyroux. j . j, (1955), Contribution a la Theorie Genera; des Actes a Titre Gratuits. These, Toulouse, p.339 et s.

- Marty, Gabriel, Reynaud, Pierre, (1962), Droit Civil, Introduction General a L'Etude de Droit. T.I., Paris, p.446.

۴. Cass, Civ.21 mars, 1843. S.1843.1.681, concl. Hello- Comp. cass . Civ., 30 decembre 1908 , D.P.1909,1,208. Cite'par Ghestin. Jacques (La notion d'Erreur dans le Droit Positif Actuel, Paris, 1963, p.604.



نتیجه گرفته‌اند که علت عدم پذیرش دعوی طلبکاران مدنی، احراز حسن نیت مدیون در پرداخت دین طبیعی خود بوده است.^۱

بند دوم - احراز حيله و تقلب مدیون

همان طور که گفته شد، شرط دوم پذیرش دعوی طلبکاران مدنی، اثبات قصد متقلبانه مدیون در پرداخت دین طبیعی به منظور فرار از ادای دیون حقوقی و لطمه زدن به حقوق طلبکاران مدنی است. پس اگر انجام معامله یا «بخشش» توأم با حسن نیت و فاقد قصد اضرار از جانب مدیون باشد، مانع پذیرفته شدن دعوی بستانکاران خواهد بود. در هر حال، لازم است که دعوی مطالبه به طرفیت انتقال گیرنده نیز مطرح گردد، زیرا هدف از طرح دعوا استرداد مال داده شده یا بهای آن به منظور جبران ضرر وارده است. در این صورت، اگر تأدیه دین طبیعی، عمل حقوقی معوض (معامله) باشد، تنها، وقتی می توان دین پرداخت شده را از انتقال گیرنده نیز مطالبه نمود که سوءنیت، یا دخالت وی در عملیات متقلبانه ثابت گردد و گرنه جهل منتفع به وجود حيله و تقلب، او را از تعرض طلبکاران مدیون مصون میدارد.^۲

مگر این که تأدیه دین، عملی رایگان و بلاعوض باشد (هبه، بخشش) که در این صورت علم و جهل انتقال گیرنده تأثیری در وضعیت او نداشته و دعوی طلبکاران مدنی علیه او نیز پذیرفته میشود.^۳

به این ترتیب برای بررسی امکان طرح چنین دعوائی از سوی طلبکاران مدنی علیه طلبکاران طبیعی، لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا پرداخت دین طبیعی، معتبر و در حکم پرداخت دین مدنی است؟ و در نتیجه، اثبات حسن نیت انتقالگیرنده مانع پذیرش دعوی استرداد مال علیه وی خواهد شد یا خیر؟^۴

۱. Ghestin, Jaques et Goubeaux Gille, (1963), Traite de Droit Civil. Sous la Direction de Ghestin Introduction Eral t. 1, p. 604.

۲. Gobert, Michel, (1956), Essai Sur le Role d'Obligation Naturelle. These, Paris, p.185.

۳. Gobert, Michel, (1956), Essai Sur le Role d'Obligation Naturelle, These, Paris, p.186.

- Beudant, Robert et Lerebour, Pigeoniere, (1953), Cours de Droit Civil Francais. t 8 les Contrats et les Obligations, par Lagard, Paris, p.692.

۴. Terre, Francois et Simler, Philipp et Lequetle, Yve, (2001), Introduction General du Droit. Dalloz, N.15.

اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد، نباید بین طلبکار دین مدنی و بستانکار دین طبیعی قائل به تفاوت شد. اما اگر تأدیه دین طبیعی را در زمره اعمال رایگان بهشمار آوریم، در هر حال (با وجود سوءنیت یا بدون آن) آنچه به طلبکار طبیعی داده شده، قابل استرداد خواهد بود. پاسخ این سؤال همان طور که قبلاً گفته شد^۱ در مورد تعهدات طبیعی ساده، منحصرأ به «قصد» مدیون وابسته است که آن هم جز در لحظه اجرای تعهد و یا در صورتی که «تعهد به اجرا» شده باشد، قابل احراز نیست. بنابراین، اگر تعهدی مسبوق به یک تعهد مدنی قبلی (عقیم و ناقص) نبوده و تنها با اراده و آگاهی مدیون اجرا شده یا «وعده اجرای» آن داده شده است، بی تردید باید آن را تأدیه دین به شمار آورد و ایفاء تعهد اخلاقی دانست که با اراده مدیون (در لحظه اجرا) تبدیل به یک تعهد حقوقی گردیده و در نتیجه، آنچه ادا شده، غیرقابل استرداد و غیرقابل مطالبه از سوی طلبکاران حقوقی خواهد بود. مگر این که ثابت شود قصد مدیون «بخشش» بوده است. برخی از حقوقدانان پا را از این هم فراتر گذارده و اعلام داشته اند که حتی ادعای مدیون مبنی بر این که، قصد وی از دادن مال به دیگری، صرفاً «بخشش» بوده، قابل استماع نیست.^۲

در حقوق ایران، پاسخی برای مسأله طرح شده به طور منجز به چشم نمی خورد و وضعیت طلبکار طبیعی در برابر طلبکاران حقوقی را باید با توجه به قواعد عمومی ناظر به معاملات یا عطایای مدیون که با نیت اضرار به بستانکاران خود انجام میدهد بررسی و از راه قیاس، بهدست آورد. به استناد قوانین موجود^۳ مدیون را باید در انجام معامله، آزاد محسوب و حتی وی را مختار به ترجیح یکی از طلبکاران خود به دیگران و پرداخت طلب وی دانست زیرا دارائی مدیون معسر، وثیقه دیون وی بهشمار نمی رود^۴ و طلبکاران هیچگونه حق عینی بر آن ندارند جز آن که وجود دارائی بیشتر، موجب اعتبار مدیون و اطمینان خاطر طلبکاران است.^۵

۱. بند اول، گفتار دوم همین مقاله.

۲. Carbonnier, Jean, (1976), Droit Civil Introduction, les Personnes, p.154.

۳. مواد ۶۵، ۲۱۸ و ۲۱۸ مکرر قانون مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی.

۴. برای دیدن نظر مخالف، رک: امامی، سیدحسن، حقوق مدنی ۱، ص ۲۷۷ و ۲۷۸.

۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۶)، قواعد عمومی قرار داده، جلد ۲، انتشارات به نشر، ش ۴۴۳.



بنابراین مدیون، (برخلاف تاجر ورشکسته که پس از اعلام توقف، از تصرف در اموال خود ممنوع می‌شود چون تمام دارائی وی وثیقه طلب طلبکاران اوست)^۱، می‌تواند به عنوان مالک، هرگونه تصرفی که مایل است در اموال خود بنماید مگر در فرضی که عمل وی با قصد اضرار به طلبکاران صورت گیرد که در این صورت، نوعی سوءاستفاده از حق به‌شمار آمده و بلااثر است^۲، اعم از این که ادای دین به شکل انجام یک معامله معوض صورت پذیرد یا در قالب نوعی «بخشش»، به طور صوری و به منظور کاستن از دارائی و پنهان کردن اموال باشد، یا به طور واقعی ولی با انگیزه (جهت) مخفی کردن ثمن آن. در هر حال به محض ثبوت قصد مزورانه مدیون، عمل وی در فرض اول به دلیل «فقدان قصد واقعی» در معامله و در فرض دوم به دلیل وجود «جهت نامشروع» باطل است.^۳ بار اثبات نامشروع بودن انگیزه وی نیز با طلبکار است. اوست که دعوای ابطال معامله یا ابطال عمل رایگان را به طرفیت مدیون به‌منظور لغو آثار حقوقی آن، و در برابر انتقال گیرنده، با هدف استرداد مال مورد معامله یا ثمن آن، طرح مینماید. حال باید دید با چه شرایطی می‌توان مالی را که به طلبکار دین طبیعی منتقل شده، از وی مطالبه نمود. آیا اثبات سوءنیت مدیون برای چنین استرداد کافی است یا شرط دیگری هم دارد؟

به‌نظر میرسد که علم و اطلاع گیرنده نسبت به قصد اضرار مدیون، در تعیین سرنوشت مالی که در تصرف دارد بیتأثیر نیست. این اثر با توجه به نوع عمل حقوقی که موجب انتقال مال از مالکیت مدیون به مالکیت طلبکار شده متفاوت است، اگر عمل حقوقی ناقل مالکیت، معوض باشد، علم انتقال گیرنده نسبت به حيله و تقلب مدیون، در حکم شرکت و همکاری با وی در عملیات متقلبانه بوده و به‌سایر طلبکاران حق میدهد که علیه وی نیز اقامه دعوی نمایند. به

۱. ماد ۴۲۶ و ۵۷۷ قانون تجارت.

۲. رای مطالعه بیشتر در زمینه سوءاستفاده از حق، رک: کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری و مسئولیت مدنی چاپ اول، ۱۳۶۹، انتشارات دانشگاه تهران، ش ۱۱۱، بهرامی، احمدی، احمد، سوءاستفاده از حق، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶.

۳. علرغم این که ماده ۲۱۸ قانون مدنی در مبحث «جهت معامله» آمده و وجود قصد فرار از دین را از موجبات بطلان معامله دانسته است ولی بطلان را باید منحصراً نتیجه معامله صوری دانست و در مورد «قصد فرار از دین»، عقد را غیر نافذ شمرد زیرا در این نوع معامله، منافع طلبکاران است که مستقیماً مورد تعرض واقع میشود و هدف مقنن نیز جلوگیری از اضرار آنان است. به همین دلیل نیز معامله مزبور فقط در برابر طلبکار غیرنافذ است و در صورت تنفیذ او معتبر خواهد شد.

عکس، جهل وی موجب می‌گردد که معامله، نسبت به وی صحیح و مصون از تعرض بماند. اما اگر مال از طریق «بخشش» به وی منتقل شده باشد، با توجه به ماده ۶۵ قانون مدنی که صریحاً و بدون ذکر هیچ شرطی، صحت وقف (از اعمال رایگان) به ضرر دین را موقوف به تنفیذ ایشان کرده است و با عنایت به این که ماده مزبور قابلیت شمول به سایر اعمال رایگان را دارد، باید پذیرفت که علم و جهل انتقال گیرنده هیچ تأثیری در حقوق سایر طلبکاران ندارد و در هر حال صحت «بخشش» واقع شده موقوف به اجازه آنان است.^۱

در نتیجه، طلبکار دین طبیعی و انتقال گیرنده فعلی، در صورتی مصون از تعرض طلبکاران مدنی است، که اولاً: مدیون بدون داشتن قصد فرار از دین، طلب طبیعی را پرداخته باشد و ثانیاً: در صورت احراز سوءنیت مدیون، انتقال گیرنده از آن بیخبر باشد.

اما رسیدن به همین نتیجه هم مستلزم روشن شدن وضعیت حقوقی دین طبیعی در حقوق ماست به این معنا که آن را نوعی تعهد حقوقی بشماریم یا عملی رایگان؟ در صورت اخیر بتردید اعتبار پرداخت، موقوف به تنفیذ سایر بستانکاران است.

ولی باید پذیرفت که دیون طبیعی، صرف نظر از مبنای پیدایش آنها، از نظر آثار و نتایج حقوقی بیشتر به تعهدات حقوقی شبیه است تا اعمال رایگان و بلاعوض. زیرا گذشته از «قصد» مدیون که می‌تواند رایگان بودن یا نبودن پرداخت را روشن کند، تعهد طبیعی از دو رکن لازم برای تحقق تعهد حقوقی، یعنی «وجود دین» و «التزام به تأدیة»، رکن اول را واجد است. وانگهی همچنان که گفته شد، ماده ۲۶۶ قانون مدنی ایران، چنین دیونی را پس از پرداخت، غیرقابل استرداد دانسته است و «پرداخت» نیز برابر ماده ۲۶۴ همان قانون، از جمله اسباب سقوط تعهد است نه «ایفاء ناروا». لذا، رجوع به آنچه در مقام وفای به عهد ادا شده، ممکن نمی‌باشد مگر در صورت احراز قصد فرار از دین از ناحیه مدیون و علم طلبکار طبیعی (گیرنده مال) به قصد وی.

ممکن است استدلال بیان شده در جهت یکسان دانستن شرایط طلبکاران مدنی و بستانکاران حقوقی و شمول این تساوی به تمام آثار حقوقی تعهدات طبیعی به نظر مبالغه‌آمیز برسد ولی

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۶)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، انتشارات به‌نشر، ش ۴۶۰.



عمل مدیونی را نیز که برای پاسخ به ندای وجدان خود، بدون داشتن سوء نیت و قصد اضرار به بقیه طلبکاران، اقدام به پرداخت دین اخلاقی خود مینماید باید ارج نهاد. بتردید ارائه راه حل عملی و قابل قبول به منظور حفظ ارزشهای اخلاقی در کنار احترام به قوانین موضوعه و با رعایت اصل مصلحتگرایی وظیفهای است که بر عهده دادگاههای ما و بهوسیله ایجاد رویههای قضائی در جهت غنیر نمودن حقوق داخلی است.

نتیجه: حضور تعهدات طبیعی و آثار حقوقی اجرای آنها، در حقوق ایران به نحوی کم رنگ و در حقوق فرانسه بطور چشم گیری قابل مشاهده است. در کنار تعهدات مدنی که به دلایل گوناگون، ضمانت اجرای خود را از دست داده اند و تعهدات ناقص (عقیم یا تغییر ماهیت داده) خوانده میشوند؛ به یاری رویه قضائی فعال این کشور، تعهدات برخاسته از تکالیف اخلاقی شناسائی شده اند که فاقد هر نوع سابقه حقوقی بوده و صرفاً با فشار وجدان مدیون به مرحله «تحقق» و اجرا رسیده اند. بر هر دو نوع این تعهدات، آثار حقوقی مترتب است که نمایانگر پذیرش آنها در جهان حقوق است. مانند: عدم قابلیت استرداد آنچه در مقام ایفاء تعهد ادا شده است. البته مشروط بر این که اقدام مدیون خالی از اشتباه یا آگاهی نسبت به عدم ضمانت اجرای قانونی و با میل و هدف ادای دین باشد و نه با قصد بخشش. در این صورت، پرداخت دین طبیعی معتبر است و طلبکاران حقوقی هم بهجز در صورت اثبات قصد متقلبانه و سوء نیت مدیون، حق مطالبه و استرداد آنچه را که پرداخت شده، نخواهند داشت. با این همه، رویه قضائی فرانسه در غالب موارد، عمل مدیونی را که با علم به اعسار خود اقدام به تأدیه دیون طبیعی خویش می کند، متقلبانه و متضمن ورود ضرر به طلبکاران مدنی اعلام مینماید. در حقوق ایران با توجه به این که نظر صریحی در این مورد دیده نمی شود، به نظر میرسد که با توجه به قواعد عمومی ناظر به معاملات بتوان گفت که مدیون در انجام معامله و حتی ترجیح یکی از طلبکاران خود به دیگران آزاد و مختار است چون دارائی وی وثیقه بدهیهای او نیست، در نتیجه اشکالی ندارد که طلبکار طبیعی خود را به بستانکار حقوقی ترجیح داده و پرداخت طلب وی را مقدم بر دیگران بداند مگر در فرضی که عمل وی با قصد اضرار به طلبکاران مدنی صورت گرفته باشد. در این صورت هم در حقوق فرانسه و هم در حقوق



ایران، طلبکار طبیعی یا انتقال گیرنده مال نیز چنانچه نسبت به قصد متقلبانه مدیون آگاه باشد، به عنوان شریک در اعمال متقلبانه، قابل تعقیب از سوی طلبکاران حقوقی است. و در مورد ماهیت حقوقی اجرای تعهد طبیعی (تأدیه دین) با توجه به این که ایفاء دین طبیعی با دخالت مستقیم و بدون واسطه اراده مدیون انجام میگیرد باید آن را از جمله ایقاعات به شمار آورد.





فهرست منابع

الف) فارسی

- السنه‌وری، عبدالرزاق احمد، *انتقال و سقوط تعهدات*، ترجمه علیرضا امینی، محمدحسین دانش‌کیا، منصور امینی، ۱۹۶۸، انتشارات مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، جلد ۱، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.
- امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، جلد ۴، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
- بروجردی، عبده، *حقوق مدنی*، ۱۳۲۹.
- بهرامی احمدی، بهرام، *سوء استفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی*، انتشارات اطلاعات،؟؟؟ ۱۳۶.
- جعفری لنگرودی، جعفر، *مقدمه علم حقوق*، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۹.
- جعفری لنگرودی، جعفر، *دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت*، جلد ۱،؟؟؟ بنی‌د استاد، ۱۳۵۷.
- جعفری لنگرودی، *حقوق تعهدات*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- جوان مرادی، ناهید، *تعهدات طبیعی*، رساله دکترا، دانشگاه تهران. ۱۳۷۸.
- جوان مرادی، ناهید، *ماهیت وفای به عهد*، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۴، سال ۱۳۸۰.
- جوان مرادی، ناهید، *مبانی نظری تعهدات طبیعی*، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۶۲، زمستان ۱۳۸۲.
- شهیدی، مهدی، *سقوط تعهدات*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸.
- صفائی، سید حسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، تعهدات و قراردادهای، نشریه مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
- قائم مقامی، عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، جلد ۱ و ۲، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- کاتوزیان، امیرناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۱، انتشارات به‌نشر، ۱۳۶۴، جلد ۲، انتشارات به‌نشر، ۱۳۶۶، جلد ۴، انتشارات به‌نشر، ۱۳۶۸.

- کاتوزیان، امیرناصر، حقوق مدنی، ایقاع- نظریه عمومی- ایقاع معین، نشر یلدا، ۱۳۷۰.

- کاتوزیان، امیرناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، نشر یلدا، ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، امیرناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

- کاتوزیان، امیرناصر، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، امیرناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی- قرارداد- ایقاع، شرکت انتشار، ۱۳۷۰.

- (ب) عربی

- ابوالحسن عاملی، کرکی (محقق ثانی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد ۱، چاپ سنگی.

- انصاری شیخ، مرتضی، مکاسب، چاپ سنگی، به خط طاهر خوش نویس، تبریز، ۱۲۷۵.

- زین الدین عاملی (شهید دوم)، مسالک الافهام، چاپ سنگی، ۱۳۱۰ هجری.
- شمس الدین عاملی (شهید اول)، القواعد.

- طباطبائی، کاظم، حاشیه بر مکاسب، چاپ سنگی، ۱۳۲۶.

- میرزای نائینی، منیه الطالب، چاپ سنگی، چاپخانه حیدری.

(ج) فرانسه

- Aubry et Rou , *Cours de Droit Civil Francais*, 1954.
- Barrain, Reymond , *Droit Civil Francais*, 1950.
- Baudry, Lacantinerie , *Traite Theorique et Pratique de Droit Civil, Obligations*.t. 2, v. 13 par Bard, Paris, 1907.
- Beudant, Robert et Lerebour, Pigeoniere , *Cours de Droit Civil Francais*,t 8 les Contrats et les Obligations , par Lagard, Paris, 1936-1953.
- Colin, Ambroise et Capitant Henry et Lamorandiere , *Traite de Droit Civil*. T. 3 , 1959.



- Carbonnier, Jean , *Droit Civil Introduction, les Personnes* 1976.
- Carbonnier, Jean , *Droit Civil t.4, Les Obligations*. 1998.
- Catala, Nicole, *la Nature Juridique du Payment*, These, Paris, 1961.
- Dupeyroux. j.j , *Contribution a la Theorie Genera; des Actes aTitre Gratuits*, These, Toulouse, 1955.
- ----- Dupeyroux. j.j , *Les Obligations Naturelles, la Jurisprudence et le Droit*, Melange Maury. 1960, t.2.
- Flour, Jacques, *la Notion d'Obligation Naturelles et Son Role en Droit Civil*, Travaux a L'Association Capitant , t.7, 1952.
- Foignet, Rene , *Manuel Elementaire de Droit Civil t.1*.1913.
- Geny, Francois, *Method de Commentaire des Sources de Droit Civil Positif Francais*, T.2, 1954.
- Ghestin, Jaques et Goubeaux, Gille , *Traite de Droit Civil, Sous la Direction de Ghestin Introduction General*, t.1. 1977.
- ----- Ghestin, Jaques et Goubeaux, Gille , *Traite de Droit Civil*, Les Obligations, 1980.
- ----- Ghestin, Jaques et Goubeaux, Gille, *La Notion d'Erreur Dans le Droit Positif Actuel*, Paris, 1963.
- Gobert, Michel, *Essaie Sur le Role d'Obligation Naturelle*, These, Paris, 1956.
- Guillien, Reymond et Vincent, Jean, *Lexique de Termes Juridiques*, Dalloz, 1974.
- Josserand, Louis, *Cours de Droit Civil Positif Francais*, t.2, 1940.
- Marty, Gabriel et Reynaud, Pierre, *Droit Civil, Introduction Generale a L'Etude de Droit*, t.1. 1961.
- ----- Marty, Gabriel et Reynaud, Pierre, *Droit Civil Conception d'Obligation*, t.2. Paris, 1962.
- Mazeau, Henri et Leon, Jean, *Lecons de Droit Civil Introduction sur L,Etude de Droit par Chabas*, 1983.
- ----- Mazeau, Henri et Leon, Jean, *Droit Civil, Les Obligations par Michel Juglart*, 1969, par Chabas, 1978.
- Planiol, Marcel, *Traite de Droit Civil , Les Obligations*, 1952-1954.



- Planiol, Marcel et Ripper, George, *Droit Civil Francais, t.7*, par Esmein, Radouant et Gabold, 1958.
- Ripper, Georges et Boulanger, Jean, *Droit Civil, Les Obligations, Paris*, 1957.
- Sandrier, Adolf, *Les Obligations Naturelles, Les Effets Envers des Debiteurs, These*, Rennes, 1932.
- Starck, Boris, *Droit Civil, Les Obligations, Paris*, 1972.
- Terre, Francois et Simler, Philipp et Lequetle, Yve, *Introduction General du Droit*, Dalloz, 2001.
- ----- Terre, Francois et Simler, Philipp et Lequetle, Yve, *Droit Civil, Les Obligations, Dalloz*, 2002.
- Weill, Alex et Terre, Francois, *Droit Civil, Les Obligations*, 1975.

